



یادداشت

محمد ولیان پور

### آتش بس و فرجام جنگ منطقه‌ای

با برقراری آتش بس، گمانه‌های زیادی درباره اهداف این مرحله از سکوت میدان جنگ مطرح شده‌است. در کنار گمانه‌های بدبینانه‌ای مثل تنفس میدان جنگ و آمادگی برای جنگ گسترده‌تر زمینی، شواهد ظاهراً خوشبینانه‌ای هم به چشم می خورد که نشانه خروج یک جانبه آمریکا از جنگ است؛ چه با توافق و چه بدون توافق که به معنای ترک محاصمه یک طرفه خواهد بود. به زعم بسیاری از تحلیلگران غربی، ورود مستقیم آمریکا به جنگ، اشتباه بزرگی بوده که ترامپ مرتکب شد. حتی معاون اول رئیس جمهور آمریکا که در رأس هیئت مذاکره کننده به اسلام آباد رفته بود نیز مخالف این ورود بوده است. این مخالفت البته از سر صلح‌طلبی نبود، بلکه معتقد به حضور غیرمستقیم در جنگ با ایران و پشتیبانی از حملات اسرائیل بودند. با این اوصاف به نظر می رسد هدف آمریکا از آتش بس و مذاکره، بازگشت به این موقعیت و خروج آبرومندانه از جنگ است و یافشاری اسرائیل بر تداوم نقض آتش بس و همراهی آمریکا با این تصمیم هم نشان از آن داشت که در تلاش برای جداسازی حساب آمریکا و اسرائیل هستند. این می تواند یکی از بدترین نتایج مذاکرات باشد؛ چراکه منافع آمریکا در منطقه را از دایره اهداف خارج می کند. در واقع دامنه اهداف منطقه‌ای ما به شدت محدود خواهد شد و به‌جای اهداف در دسترس و نزدیک در خلیج فارس، صرفاً اهدافی در اسرائیل را خواهیم داشت که با توجه به فاصله زیاد و دفاع متمرکز، نتایج محدودتری را عاید ما خواهد کرد. این ممکن است به معنای از بین رفتن تهدید «جنگ منطقه‌ای» به عنوان برگ برنده کشورمان در این جنگ باشد. در حالی که با توجه به حضور غیرمستقیم آمریکا و کشورهای غربی و عربی در تجاوزهای اسرائیل، توان دشمن کاهش چشم‌گیری نخواهد داشت و رژیم صهیونیستی از همه‌توان لجستیکی، اطلاعاتی و حتی پدافندی موجود استفاده خواهد کرد و آسمان منطقه و ویژه به‌ویژه عراق هم در اختیار او است.

از سوی دیگر برقراری آتش بس در منطقه (منتهای اسرائیل)، کنش‌گری نظامی ما در اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز یا جلوگیری از دور زدن آن را با چالش جدی مواجه خواهد کرد. به‌ویژه اینکه طبق راهبرد همیشگی، ابتکار عمل در آغاز حملات و غافلگیر کردن دشمن در اختیار ما نیست. ساعاتی پیش وزارت دفاع عربستان از استقرار نیروهای نظامی پاکستان در پایگاه هوایی ملک عبدالعزیز خبر داد و جنگنده‌های پاکستانی در راستای اجرای توافق‌نامه دفاع استراتژیک مشترک وارد این کشور شده‌اند. شاید این تحرکات را بتوان در راستای خروج آمریکا از جنگ و جایگزینی پاکستان به عنوان عامل بازدارنده در برابر حملات منطقه‌ای ایران ارزیابی کرد. باید دید آیا در صورت تحقق این سناریو ایران حاضر است حاکمیت بر تنگه هرمز را همچنان حفظ کند و از تردد بدون عوارض کشتی‌ها و ورود شناورهای نظامی بیگانه به خلیج فارس، حتی به بهای آغاز درگیری نظامی جلوگیری کند؟

#### روزشمار جنگ | روز چهل و سوم

چکش «هرمز» شروط ونس را در هم شکست

### ماراتن بی‌اعتمادی در اسلام‌آباد

مذاکرات اسلام‌آباد، روز برخورد «سخت‌افزار میدان» با «نرم‌افزار دیپلماتی» بود. ماراتن ۲۱ساعته میان هیئت‌های ایران و آمریکا در پایتخت پاکستان، در حالی بدون نتیجه پایان یافت که جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا با چمدانی از او تیمانوم‌های سوخته راهی واشنگتن شد. در حالی که دونالد ترامپ در تروث‌سوشال مشغول فیلم‌نامه‌نویسی برای یک «پیروزی خیالی» است، آمارهای تورم در آمریکا و لاشه جنگنده‌های متجاوز در کویر ایران، واقعیتی دیگر را روایت می‌کنند. روز گذشته ثابت شد تهران نه تنها «کارت‌های برنده» بیشتری در دست دارد، بلکه هنر استفاده از «زمان» را بهتر از مستأجر سراسیمه کاخ سفید می‌داند.

■**لفاظی‌های آخرالزمانی در برابر واقعیت‌های زمینی**

در حالی که ترامپ مدعی است ایران دیگر نیروی دریایی و هوایی ندارد، آرون دیوید میلر، مذاکره‌کننده باسابقه آمریکایی در یادداشتی که سی‌ان‌ان منتشر کرده هشدار می‌دهد ایران «جغرافیا را تسلیحاتی کرده» و کارت‌های بازی به مراتب بیشتری دارد. تضاد میان روایت‌های کاخ سفید و واقعیت میدان محسک شده است. ترامپ از نابودی توان نظامی ایران می‌گوید، اما همزمان ناوشکن‌هایش را برای پاک‌سازی مین‌های ایرانی به هرمز می‌فرستد. این همان «کوری استراتژیک» است که فرمانده برکنارشده ستاد ارتش آمریکا از آن سخن می‌گفت. تحلیلگر گاردین با اشاره به نقل قولی از مرحوم باستانی پاریزی که گفته بود «سرنوشت این سرزمین به مویی بسته است، اما آن مو پاره نمی‌شود»، ترامپ را ملامت کرده که سابقه مقاومت در ایران را نادیده گرفته است.

■**لبنان؛ قربانگاه شکست استراتژیک**

اما تراژدی اصلی روز گذشته نه در اسلام‌آباد، که در روستاهای جنوب لبنان رقم خورد. اسرائیل که در نبرد اراده‌ها با ایران به بن‌بست رسیده، خشم خود را بر سر خانواده‌های لبنانی آوار کرد. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران به درستی اشاره کرد که آمریکا نمی‌تواند هم‌زمان «آتش بس در ایران» و «قتل‌عام در لبنان» را پیش ببرد. حمله حزب‌الله به اشدود، پاسخ میدانی به این فریبکاری بود. در حالی که کی‌کر استارمر و هبرران اروپایی از ترس فروپاشی زنجیره تأمین سوخت، برای صلح‌النماس می‌کنند، نتانیاهو همچنان به دنبال طولانی کردن عمر سیاسی خود با خون غیرنظامیان است. اما آمارهای رسمی از ایران (۳هزار و ۳۷۵ شهید) و گزارش‌های «فروپاشی روانی» در یانودان در خلیج فارس نشان می‌دهد این جنگ برای آن‌ها ختم به پیروزی نمی‌شود و تنها طرفی که ایستادگی را به یک «حق مطلق» تبدیل کرده، جبهه مقاومت است.

■**محسن اسدی موحد** | در دکتربن حقوق بین‌الملل، تنگه‌های استراتژیک همواره نقطه تلاقی «آزادی کشتیرانی» و «حاکمیت دولت ساحلی» بوده‌اند. با وجود این، پیش از آنکه تنگه هرمز به عنوان یک شریان حیاتی اقتصاد جهانی و یک آبراه بین‌المللی شناخته شود، از منظر ژئومورفولوژی و جغرافیای حقوقی، بخش تفکیک‌ناپذیری از قلمرو حاکمیتی و دریایی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران است. از تلاش‌های ناموفق نظامی دو کشور متخاصم که بگذریم، اخیراً طرح پیش‌نویس قطعنامه‌ای از سوی بحرین با محوریت «امنیت کشتیرانی و آزادی عبور» در این تنگه به شورای امنیت سازمان ملل ارائه شد که با وتو فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین متوقف شد.

این پیش‌نویس که البته مهم‌ترین متن حقوقی این روزها در منازعه تنگه هرمز بود، با نادیده گرفتن حقوق سرزمینی ایران، ناموفق ماند. این نوشتار با رویکردی مستند به منابع حقوق بین‌الملل، به واکاوی میانی حقوقی صلاحیت سرزمینی ایران بر تنگه هرمز پرداخته و می‌کوشد نشان دهد چرا ایران حق دارد مدیریت تنگه هرمز را در اختیار داشته باشد و چرا آن پیش‌نویس فاقد وجاهت قانونی بود.

■**ماهیت حقوقی؛ تسری مطلق حاکمیت**

**بر دریای سرزمینی**

نخستین و بزرگ‌ترین خطای راهبردی در تحلیل وضعیت تنگه هرمز، تقلیل آن به یک گذرگاه بین‌المللی فارغ از تعلقات سرزمینی و تلاش برای اطلاق مفهوم «آب‌های آزاد» به آن است. بر اساس قواعد مسلم حقوق بین‌الملل عرفی و ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای (UNCLOS)، عرض دریای سرزمینی (Territorial Sea) هر کشور تا ۱۲ مایل دریایی امتداد دارد.

با عنایت به اینکه عرض تنگه هرمز در باریک‌ترین نقطه خود تنها حدود ۲۱ مایل دریایی است، تداخل آب‌های سرزمینی ایران و عمان موجب می‌شود که اساساً هیچ بخشی از این تنگه تحت عنوان «دریای آزاد» (High Seas) قرار نگیرد. از منظر حقوقی، ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ به صراحت بیان می‌کند حاکمیت (Sovereignty) دولت ساحلی فراتر از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی، بر دریای سرزمینی، بستر، زیربستر و فضای فوقانی آن تسری می‌یابد. بنابراین، صلاحیت تقنینی (Prescriptive Jurisdiction) و صلاحیت اجرایی (Enforcement Jurisdiction) ایران بر نیمه شمالی تنگه هرمز، خصیصه‌ای مطلق و ذاتی دارد و حق عبور کشتی‌های بیگانه، تنها یک استثنای محدود بر این قاعده حاکمیتی است، نه ناقض یا تحدیدکننده آن.

### گفت وگو

### قوانین حقوقی می‌گویند آنچه ایران در تنگه هرمز رقم زده، اعمال حاکمیت دولت ساحلی است و قطعنامه‌های مداخله‌جویانه ارزشی ندارند

# به‌وقت تنگه هرمز



■**اصلت عبور بی‌ضرر و حق ایران در ممانعت از عبور غیرقانونی**

هسته مرکزی اقتدار ایران در تنگه هرمز، در رژیم حقوقی حاکم بر عبور شناورها نهفته است. در حالی که کنوانسیون ۱۹۸۲ مفهوم «عبور ترانزیت» (Transit Passage) را با آزادی عمل گسترده‌تر ابداع کرد، جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل بنیادین «اثر نسبی معاهدات» (Pacta Tertis Nec Nocent Nec Prosumt)، هیچ الزام حقوقی برای پذیرش این رژیم در قبال کشورهای غیرعضو در کنوانسیون ۱۹۸۲ (از جمله ایالات متحده) ندارد. دکتر بن حقوقی و رویه عملی ایران کاملاً روشن و مستند است: رژیم حاکم بر تنگه هرمز، بر اساس قواعد عرفی پیش از ۱۹۸۲ و کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو که ایران عضو آن است، رژیم «عبور بی‌ضرر غیرقابل تعلیق» (Non-suspendable Innocent Passage) است. در این رژیم، اعمال حاکمیت ایران به بالاترین حد خود می‌رسد؛ شناور بیگانه مکلف است قوانین دولت

طرح‌های تفکیک تردد (Traffic Separation Schemes) و برخورد با شناورهایی که با خاموش کردن سیستم‌های ناوبری (AIS)، امنیت تنگه را به خطر می‌اندازند.

**اعمال قانون**: رهگیری و مقابله با قاچاق و اعمال قوانین گمرکی و جزایی داخلی در صورت احراز تخلف.

■**عدم مشروعیت و غیرقانونی بودن پیش‌نویس قطعنامه**
بادرک پشتوانه مستحکم حاکمیتی ایران، پیش‌نویس قطعنامه پیشنه‌ادی بحرین چیزی جز یک تلاش غیرقانونی برای سلب صلاحیت (De-jurisdiction) از دولت ساحلی نبود. این طرح با استناد ظاهری و بی‌اساس به فصل هفتم منشور ملل متحد، در پی بین‌المللی‌سازی امنیت تنگه بود که از منظر حقوق بین‌الملل واجد ایرادات و تخلفات بنیادین زیر است:

■**نقض حاکمیت و مداخله غیرقانونی**: تلاش برای تغییر رژیم حقوقی تنگه هرمز بدون رضایت دولت‌های ساحلی، دور زدن آشکار حقوق سرزمینی ایران است. ورود شورای امنیت به قلمرو صلاحیت داخلی یک دولت، بدون اثبات وقوع حقیقی «تهدید علیه صلح» (موضوع ماده ۳۹ منشور)، نقض صریح و آشکار بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد (اصل عدم مداخله) است و این قطعنامه را از اساس غیرقانونی می‌سازد.

■**تعارض با معاهدات بین‌المللی**: این پیش‌نویس در تلاش بود با تعریف استانداردهای خودساخته از «آزادی عبور»، تنگه هرمز را عملاً به منطقه‌ای با رژیم «دریای آزاد» تبدیل کند. از نظر حقوقی، شورای امنیت صلاحیت آن را ندارد که از طریق قطعنامه‌های سیاسی، معاهدات بنیادین حقوق دریاه و حقوق عرفی تثبیت‌شده را ملغی یا بازنویسی کند. ■**سوءاستفاده ابزاری از مفاهیم حقوقی**: استفاده از کلیدواژه «آزادی عبور»، صرفاً پوششی غیرقانونی برای سلب حق نظارت و بازرسی مشروع ایران بود تا مسیر برای تحرکات پلامان ناوگان‌های نظامی فرامنطقه‌ای در آب‌های سرزمینی ایران هموار شود.

■**و توفقطعنامه؛ صیانت از دکتربین برابری حاکمیت‌ها**
و تو این قطعنامه غیرقانونی توسط فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین، در ترازوی حقوق بین‌الملل، اقدامی ضروری در راستای صیانت از ساختار حقوق دریاه ارزشیابی می‌شود. این وتو مانع آن شد که شورای امنیت به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به مداخله در آب‌های سرزمینی دولت‌های مستقل تبدیل شود. تصویب چنین قطعنامه‌ای می‌توانست رویه‌ای خطرناک (Dangerous Precedent) خلق کند و به قدرت‌های فرامنطقه‌ای اجازه دهد با سوءاستفاده از اهرم سازمان ملل، حقوق حاکمیتی و سرزمینی دولت‌های ساحلی را در سراسر جهان مصادره کنند.

هشدار عضو سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نسبت به تهدید محاصره دریایی

## جنگ می‌تواند از منطقه‌ای به فرامنطقه‌ای تغییر وضعیت بدهد

جنگ نتوانستند بدست آورند در میز مذاکره از ما بگیرند، افزود: آن‌ها مجبور به مذاکره هستند و برای بازگشایی تنگه هرمز باید به خواسته‌های قانونی ایران تمکین کنند. پول‌های ما را از بلوکه بودن خارج، حق غنی‌سازی ما را پذیرفته، تحریم‌ها را بردارند و به ما غرامت بدهند. وی با اشاره به تکرار تهدیدهای ترامپ و احتمال بازگشت جنگ هم گفت: ایران مایل به جنگ نیست، ما اهل مذاکره هستیم اما از جنگ هم هراسی نداریم و آمریکایی‌ها باید بدانند ایران گزینه‌ها و ابتکارهای دیگری دارد که اگر آمریکا تهدیدهای خود را اجرایی کند این جنگ می‌تواند به دستور رهبر جدید نظام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به یک جنگ فرامنطقه‌ای بدل شود. وی در واکنش به تهدید ترامپ برای محاصره دریایی ایران هم تصریح کرد: اولاً کشوری که ۱۵همسایه آبی و دریکی دارد قابل محاصره نیست، ضمن اینکه ما گزینه‌ها و سناریوهای مؤثری داریم که آن‌ها تصورهای راه هم نمی‌کنند چه وضعیتی را برایشان به‌وجود خواهد آورد و قطعاً چنین اقدامی از سوی آمریکا به فرامنطقه‌ای کردن جنگ منجر خواهد شد و علاوه بر تنگه هرمز، آمریکا باید به دنبال چاره‌ای برای بسته شدن احتمالی تنگه باب‌المنذب هم باشد.

هرمز که ۲۰درصد از انرژی جهان از آن عبور می‌کند و تأثیر فوری، ملموس و شدید آن بر کشورهای مختلف جهان با افزایش قیمت سوخت، سقوط و ریزش بازارهای بورس، کمبود حامل‌های انرژی و تهدید روند تولید کالا در جهان خاطرنشان کرد: دولت آمریکا راهی جز مذاکره با ایران برای باز کردن تنگه هرمز ندارد و باید به خواسته‌های ایران تمکین کند.



آصفری افزود: دولت ترامپ به همین دلیل چارچوب پیشنهادهای ده‌گانه ایران را برای شروع مذاکره پذیرفت، اما ترامپ باز هم بازی ناچوراندرانه و کنیف خود برای نقض توافق‌های اولیه و کارشکنی و سپس فرار به جلو برای مقصر نشان دادن ایران را تکرار کرد و نه تنها پیش از مذاکره حداقل یک محور توافق را زیر پا گذاشت که معاون او نیز با همان بسته پیشنهادی قدیمی و تکراری و ناکارآمد در زمینه هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای پای میز مذاکره نشست و با تکرار زیاده‌خواهی‌های آمریکا امیدها به این مذاکرات را هم به یأس بدل کرد. این عضو سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با تأکید بر اینکه خیال خامی است که آمریکا بای چیزی را که در

رویکرد قلدرمآبانه آمریکا عامل مهم شکست مذاکرات پاکستان

## ترجیح دادیم شرایط آن‌ها را نپذیریم

نادرست آمریکایی‌ها از این عرصه دیپلماتیک یافت. آن‌ها با خیال اینکه ایرانی‌ها پس از جنگ ۴۰ روزه، نرم شده و تغییر موضع داده و مقابل طرح‌های تحمیلی آن‌ها کوتاه خواهند آمد، راهی اسلام‌آباد شدند نه با نیت مذاکره واقعی. اظهارات معاون رئیس‌جمهور آمریکا گواه مدعاست. ونس پس از اعلام پایان مذاکرات با لحنی طلبکارانه گفت: «ایرانی‌ها ترجیح دادند شرایط ما را نپذیرند. ما با یک پیشنهاد بسیار ساده اینجارا ترک می‌کنیم؛ روشی برای تفاهم که پیشنهاد نهایی و بهترین پیشنهاد ماست. باید ببینیم آیا ایرانی‌ها آن را می‌پذیرند یا نه!».

از سویی، نحوه برگزاری نشست پاکستان که با توجه به نکات اختلافی و حساسیت موضوع جا داشت در چند دور تدارک دیده شود، ولی در یک روز و به‌صورت گفت‌وگوی ممتد ۲۱ ساعته که تا ساعت ۴ باامداد به‌طول انجامید برگزار شد. بیانگر همین نیت تحمیل خواسته‌ها از سوی طرف آمریکایی است. مذاکرات پس از ۴۰ روز جنگ تحمیلی در یک فضای بدگمانی و سوءظن عمیق انجام شد، ازاین‌رو انتظار دستیابی به نتیجه آن هم تنها ظرف یک جلسه خوش‌خیالی محض بود. کلیت این مسائل اثبات می‌کند تیم ترامپ نه برای مذاکره بلکه برای دیکته کردن خواسته‌هایش نقشه کشیده بود. اما آن‌ها که در جنگ یاد گرفتند طرف پیروز را اراده ملت‌ها و برتری در میدان تعیین می‌کند نه لفاظی در شبکه‌های اجتماعی، اکنون هم یاد خواهند گرفت که دیپلماسی عرصه احترام، تعامل و پذیرش واقعیت‌هاست نه املا کردن آرزوها.

■**لججاری بچگانه با ایرانیان**

آمریکایی‌ها به جای پذیرش اشتباه گفته‌شده و اصلاح مسیر، پس از اعلام پایان مذاکرات اسلام‌آباد بدون نتیجه مطلوب آن‌ها، ظاهراً از روی خشم و عصبانیت به بروز برخی رفتارهای بچگانه علیه کشورمان روی آورده‌اند؛ در